



Paper type:  
Research paper

Abstract

## Exploring the Approach of ‘Inter - cultural Dialogue’ in Allameh Tabataba’i’s Thought and Presenting its Educational Implications\*

■ Seyed Hossein Nejati Mousavi<sup>1</sup> ■ Seyed Mansour Mar’ashi<sup>2</sup> ■ Masoud Safaei Moqaddam<sup>3</sup>  
■ Seyed Jalal Hashemi<sup>4</sup>





- **Objective:** This study aimed at exploring the approach of “inter-cultural dialogue” in Allameh Tabataba’i’s thought, and offering its educational implications.
- **Method:** The method used in this study is descriptive-inferential.
- **Findings:** After explaining the approach of inter-cultural dialogue, firstly the anthropological and epistemological foundations were mentioned as the theoretical supports of this approach, and then the educational principles and methods derived from these foundations were studied as educational implications of it. The anthropological foundations of the approach of the inter-cultural dialogue in Allameh Tabataba’i’s works and views are as follows: Man is an employing and perfectionist creature; and under the epistemological basis of the approach, the contract-making of man is also mentioned. The educational principles and methods deduced from these foundations are all focused on the approach that we have named as “inter-cultural dialogue”.
- **Conclusion:** The results of the study indicate that in Islam and from the viewpoint of Islamic thinkers, including Allameh Tabataba’i, a look at others, at the numerous sub-cultures and diverse cultures in the world, is a look based on the humanity of men; therefore, for peaceful life, and peace-oriented and dialogue-based relations, we require the foundations, principles, and methods for education resulting from the thought of these thinkers; and, in the meanwhile, the education system as the institution in charge of education in the society needs to take advantage of this human approach for educational policies.

**Keywords:** dialogue, inter-cultural, Allameh Tabataba’i, educational implications.

■ **Citation:** Nejati Mousavi, S. H, Mar’ashi, S, M, Safaei Moqaddam, M.(2022). Exploring the Approach of ‘Inter-cultural Dialogue’ in Allameh Tabataba’i’s Thought and Presenting its Educational Implications. *Applied Issues in Islamic Education*, 7(4): 141-166.

**Received:** 2022/07/24 **Revised:** 2022/11/01 **Accepted:** 2022/12/03 **Published:** 2023/03/13

\* This paper is an excerpt from the PhD dissertation in Philosophy of Education at Shahid Chamran University of Ahwaz.

1. PhD student in the Philosophy of Education, Department of Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran.  
**Email:** nejatyhossein@yahoo.com  0000-0003-4297-3727
2. **Corresponding Author:** Associate Professor of Philosophy of Education, Department of Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran.  
**Email:** marashis@scu.ac.ir  0000-0001-7135-9406
3. Professor of the Department of Philosophy of Education, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran.  
**Email:** safaei\_m@scu.ac.ir  0000-0002-5843-0148
4. Assistant Professor of Philosophy of Education, Department of Philosophy of Education, Faculty Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz, Ahwaz, Iran.  
**Email:** j\_hashemi@scu.ac.ir  0000-0001-5800-0517



# واکاوی رویکرد «گفت‌وشنود میان فرهنگی» در اندیشه علامه طباطبایی و ارائه دلالت‌های تربیتی آن<sup>۱</sup>

■ سیدحسین نجاتی‌موسوی\* ■ دکتر سیدمنصور مرعشی\*\* ■ دکتر مسعود صفایی‌مقدم\*\*\* ■ دکتر سیدجلال هاشمی\*\*\*\*

## چکیده

- هدف: هدف از این پژوهش، واکاوی و تبیین رویکرد «گفت‌وشنود میان فرهنگی» در اندیشه علامه طباطبایی و ارائه دلالت‌های تربیتی آن است.
- روش: روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی - استنتاجی است.
- یافته‌ها: پس از تبیین رویکرد گفت‌وشنود میان فرهنگی، نخست به مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، به‌عنوان پشتیبانان نظری این رویکرد، اشاره شده، و سپس به اصول و روش‌های تربیتی برآمده از این مبانی به‌عنوان دلالت‌های تربیتی رویکرد گفت‌وشنود میان فرهنگی پرداخته شد. مبانی انسان‌شناختی رویکرد گفت‌وشنود میان فرهنگی در آثار و نگاه علامه از این قرار هستند: انسان موجودی است استخدام‌گر و کمال‌گرا، و در ذیل مبنای معرفت‌شناختی رویکرد نیز به اعتبارسازی انسان اشاره شده است. اصول و روش‌های تربیتی که از این مبانی استنتاج شده‌اند همه معطوف به رویکردی هستند که از آن با عنوان «گفت‌وشنود میان فرهنگی» نام برده‌ایم.



□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹ □ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز است.


\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: nejatyhossein@yahoo.com  0000-0003-4297-3727


\*\* نویسنده مسئول: دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: marashis@scu.ac.ir  0000-0001-7135-9406

\*\*\* استاد فلسفه تعلیم و تربیت، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: safaei\_m@scu.ac.ir  0000-0002-5843-0148

\*\*\*\* استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: j\_hashemi@scu.ac.ir  0000-0001-8500-0517

● نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که در دین مبین اسلام و در اندیشه متفکران اسلامی از جمله علامه طباطبایی نگاه به دیگری، به خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های متکثر در جهان نگاهی مبتنی بر انسانیت انسان‌هاست و از این رو جهت زیست مسالمت‌آمیز، روابط صلح‌محور و مبتنی بر گفت‌و شنود نیازمند مبانی، اصول و روش‌های تربیتی منتج از اندیشه این متفکران می‌باشیم و در این بین نظام آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد متولی تربیت در جامعه نیازمند بهره‌گیری از این رویکرد انسانی در سیاست‌گذاری‌های تربیتی می‌باشد.

### واژگان کلیدی: گفت‌و شنود، میان‌فرهنگی، علامه طباطبایی، دلالت‌های تربیتی

#### مقدمه

یکی از چالش‌های مهم جوامع بشری از آغاز تاکنون بدفهمی و کج‌فهمی‌هایی است که ناشی از عادت‌های فکری و فرایندهای ارتباطی است. ناتوانی انسان در برقراری ارتباط با دیگران از مهم‌ترین مسائل و مشکلات شناختی او بوده است. واقعیتی که امروز در حوزه‌های گوناگون ارتباط جامعه بشری به شکل عام و جوامع اسلامی به شکل خاص مشاهده می‌شود. منازعات میان‌نسلی، میان‌قومی، میان‌مذهبی، میان‌دینی که در جهان معاصر در قالب تحقیق، تفسیر و تکفیر ظهور یافته نمونه‌های روشنی از این واقعیت ناگوار و تلخ عصر کنونی است. این منازعات و کج‌فهمی‌ها هنگامی ظهور می‌کنند که مردمانی با فرهنگ یا پاره‌فرهنگ‌های هویتی متفاوت، با یکدیگر تلاقی کنند. در این وضعیت چون فرد در یک شناخت فرهنگی از یک‌سو «خود» را متمایز از «دیگری» می‌بیند و از سوی دیگر در تلاش برای تفاهم، تسهیم و مبادله معنی و شناخت با دیگری است؛ نیازمند آگاهی از رمز و رازهای «ارتباطات میان‌فرهنگی»<sup>۱</sup> می‌شود؛ نبود آگاهی و الگوی مطلوب، «دیگرستیزی» را جایگزین «دیگرشناسی» می‌کند، تفاوت‌ها را به صورت تعارض‌ها بازنمایی می‌کند و در نتیجه چالش‌ها و بحران‌های ارتباطی ایجاد می‌شود.

در چنین شرایطی اتخاذ رویکرد میان‌فرهنگی که چندصدایی و گفت‌و شنود<sup>۲</sup> را در جامعه مورد تأکید قرار می‌دهد، ضروری به نظر می‌رسد. گفت‌و شنود در بینش میان‌فرهنگی، بیش از یک روش یا فن، چارچوبی خاص از ارتباط با جهان طبیعی و انسانی یا به عبارتی شیوه زندگی است (اسدی و شمشیری، ۱۳۹۹: ۱۹۶). براین اساس، می‌توان

1. intercultural communication  
2. dialogue

از رویکرد «گفت‌و‌شنود میان فرهنگی»<sup>۱</sup> به‌عنوان ابزاری مناسب برای برقراری ارتباط بین فرهنگ‌ها و ادیان مختلف بهره‌جست. به‌طوری‌که با اتخاذ این رویکرد می‌توان بستر مناسب شناخت بهتر و بیشتر فرهنگ‌ها نسبت به هم را در روابط و مناسبات اجتماعی پدید آورد.

درحالی‌که رویکرد مناسب برای مواجهه عقلانی با این تعارضات را از دستاوردهای اندیشه مدرن بشری می‌دانند اما حقیقت آن است که پذیرش و باور به تفاوت فرهنگ‌ها، و به رسمیت شناختن آنها و اتخاذ مواجهه‌ای عقلانی با آن ریشه دینی دارد. اسلام به‌صراحت اهمیت این تفاوت‌ها را ذکر کرده و تمام مردم را به‌سوی شناخت متقابل دعوت کرده است. انبیا و کتاب‌های آسمانی نخستین شناخت را درباره ارتباطات میان فرهنگی برای بشر فراهم نموده‌اند (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۸: ۱۳). قرآن کریم در این رابطه با طرح شبهات کفار و مخالفان توحید و شریعت الهی از یک‌سو و نیز گفت‌و‌شنود پیامبران الهی با آنان از سوی دیگر، همگان را به آزادی اندیشه و امکان بحث، مناظره و گفت‌و‌شنود درست برای شناخت حقیقت تشویق می‌نماید. گفت‌و‌شنود شیطان با خدا، گفت‌و‌شنود هابیل و قابیل، مناظره حضرت ابراهیم (ع) با نمرود، گفت‌و‌شنود حضرت نوح (ع) با قومش، گفت‌و‌شنود حضرت موسی (ع) با فرعون و... نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. با دقت در آیات قرآن درمی‌یابیم که همه پیامبران الهی، با کسانی که شناخت درستی از راه خدا نداشته‌اند، در کمال ملایمت، با حکمت و اندرز نیکو و جدال احسن روبه‌رو می‌شدند:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هرکسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت یافتگان داناتر است.

حال پرسش اصلی این است که با توجه به گسترش روزافزون ارتباطات و جایگاه مهمی که گفت‌و‌شنود میان فرهنگ‌های مختلف پیدا کرده است، آیا می‌توان رد پای یک نظریه یا تبیین مدلل از گفت‌و‌شنود میان فرهنگی به‌عنوان یک رویکرد مورد قبول

در عرصه‌های ارتباطات اجتماعی و تربیت، را در میان اندیشمندان مسلمان پیدا کرد؟ این مقاله برای پاسخ به پرسش مذکور، اندیشه‌ی علامه طباطبایی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. همان‌طور که در بخش‌های آتی می‌آید دیدگاه‌های علامه در مورد انسان و معرفت، وی را به اتخاذ رویکرد گفت و شنود میان‌فرهنگی رهنمون می‌شود. پس از تبیین دیدگاه‌های علامه در حوزه مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، به استنتاج اصول و روش‌های تربیتی می‌پردازیم. اصول و روش‌های برآمده از این مبانی در راستای باورمندی به رویکرد گفت و شنود میان‌فرهنگی هستند و لذا همراه با این رویکرد یک بسته منطقی و منسجم برای تربیت را در اختیار می‌گذارند.

## روش پژوهش

رویکرد حاکم بر این پژوهش، کیفی و روش آن توصیفی-استنباطی است که با توجه به هدف اصلی، اندیشه «گفت و شنود میان‌فرهنگی» از دیدگاه علامه برای نظام تربیتی، واکاوی مبانی، اصول و روش‌های این اندیشه ارائه خواهد شد. پیش از آن مبانی نظری و پیشینه پژوهش مفهوم گفت و شنود میان‌فرهنگی در اندیشه علامه تبیین خواهد شد. در این روش ابتدا آثار مکتوب علامه طباطبایی و مقاله‌های مرتبط با اندیشه وی تبیین و تحلیل می‌شوند و سپس براساس گزاره‌های توصیفی در قالب مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، اصول و روش‌های مطلوب تربیتی استخراج می‌شوند.

بنابراین، مقاله حاضر در دو بخش ارائه می‌شود: بخش اول به تبیین مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی گفت و شنود میان‌فرهنگی از دیدگاه علامه طباطبایی می‌پردازد، سپس در اصل مربوط به مبانی مذکور، قاعده و دستورالعملی کلی بیان می‌شود و سرانجام، در «روش‌ها»ی مبتنی بر اصل مذکور، شیوه‌های جزئی‌تر برای ایجاد تغییرات مطلوب توضیح داده می‌شود.

## مفهوم گفت و شنود میان‌فرهنگی

«گفت و شنود» را می‌توان روشی برای تفکر و اندیشیدن با دیگری دانست. در واقع، گفت و شنود، جستجویی مشترک، خلاقانه، همدلانه و از روی دانایی برای فهم و شناخت مفاهیم جهان است (نیستانی، ۱۳۹۸: ۱۳). آنچه در این مفهوم برجسته می‌نماید این است که تأکید کمتری به سازگاری دارد؛ زیرا نتیجه یک گفت و شنود همیشه توافق

نیست؛ اما به درک و فهم عمیق و شناخت بهتر به ما کمک می‌کند. فیلسوفان جدید این نکته را مورد توجه قرار داده‌اند که هر یک از افراد بشر از منظر خاص خود به واقعیت می‌نگرد. هیچ‌کس نمی‌تواند بر کل واقعیت احاطه پیدا کند. از این رو، تصویری که هر کس از هستی ارائه می‌دهد، رنگ دیدگاه خود او را با خود دارد. از رهگذر گفت‌وشنود با دیگران و آشنایی با دیدگاه‌های آنان است که می‌توان هم از بند اندیشه نادرست، رهایی یافت و هم به نکات ارزشمندی دست پیدا کرد که بر فرد و بر جمع آشکار نبوده است (پایا، ۱۳۸۱: ۲۰). اهمیت گفت‌وشنود در جهان معاصر به گونه‌ای است که راه رسیدن به معرفت را در آن می‌دانند، اما نه معرفت مطلق و یقینی. انسان معاصر دریافته است که در کنار دیگر چیزها، چیزی به نام معرفت یقینی و مطلق وجود ندارد؛ منظور این است که معرفت حد یَقِف ندارد. این معنا به خصوص در مورد حقیقت مطلق صادق است هر چند در دیگر موارد نیز می‌تواند تا حدودی صادق باشد؛ به این معنا که واقعیت‌های عالم ذو مراتب هستند. هر معرفتی در عین حال که می‌تواند نسبت به یک مرتبه از واقعیت صادق باشد ولی در رابطه با دیگر مراتب واقعیت صادق نباشد. این همان ذو مراتب بودن وجود است که به موجودات هم تسری می‌یابد و به آنچه معرفت نامیده می‌شود، سلسله بی‌پایانی از حدس‌ها و ابطال‌هاست، پیشرفت در معرفت به نقد و ارزیابی مستمر متکی است؛ و مهم‌تر از همه معرفت ملک مطلق هیچ شخصی نیست (پایا، ۱۳۸۱: ۶۷). و دیگر از هیچ فرهنگ مطلق نمی‌توان سخن گفت (mall, 1992). براین اساس، فرهنگ‌ها وارد دورانی شده‌اند که نمی‌توانند با مطلق‌انگاری خویش، نفی کردن و نادیده انگاشتن دیگران به حیات خود ادامه دهند. در واقع، میراث فیلسوفان میان فرهنگی را شاید در این جمله می‌توان بیان کرد: دوران اندیشیدن و زیستن در آسمان‌های تک‌ستاره به سر رسیده است. اگر حقیقتی باشد منتشر در همه فرهنگ‌ها است. میراث هیچ فرهنگی مطلق نیست. هنر، علم، فلسفه و پدیده‌های هر فرهنگ را تنها در بستر همان فرهنگ می‌توان فهمید. نباید هیچ فرهنگی زاده خویش را مطلق و کافی برای مواجهه با مسائل زمانه پنداشت. آینده در انحصار هیچ فرهنگ خاصی نیست. باید به برقراری رابطه‌ای متقارن بین فرهنگ‌ها تن داد و به روش‌های غنی‌سازی گفت‌وشنود و همکاری‌ها اندیشید. فرهنگ‌ها هیچ راهی جز به رسمیت شناختن دیگری، همزیستی، گفت‌وشنود و همراهی برای حل مسائل مشترک ندارند (مصلح، ۱۳۹۲: ۲۱).

در پژوهشی تحت عنوان «پروژه گاندی: گفت و شنودهای<sup>۱</sup> فلسفی و اخلاق و سیاست دوستی بین فرهنگی و بین ادیان» این سؤال اساسی مطرح می‌شود: آیا گفت و شنودهایی که به مرور زمان انجام می‌شود، توانایی ایجاد احترام، درک متقابل و دوستی بین شرکت‌کنندگان با پیشینه‌های متنوع فرهنگی را دارد؟ (Helskoge, 2015).

در مقاله‌ای با عنوان «بازاندیشی در آموزش و گفت و شنودی پائولو فریره<sup>۲</sup> و پیامدهای آن در تدریس معلمان» به اهمیت بازاندیشی گفت و شنود فریره در زمینه تعلیم و تربیت و پیامدهای آن برای تدریس معلمان اشاره شد (Shih, 2018).

پژوهشی تحت عنوان «گفت و شنود چند فرهنگی دانش‌آموز با دانش‌آموز و نسل ایده‌های خلاق» نشان داد که مشارکت دانش‌آموز با دانش‌آموز در گفت و شنود و واقع شدن در جو چندفرهنگی موجب افزایش توانایی فرد در ایده‌های خلاق می‌شود (Matic, 2019). مرعشی، چراغیان، صفایی مقدم و ولوی (۱۳۹۷) معتقدند که لیپمن و علامه طباطبایی در خصوص «توجه به فردیت در ضمن پذیرش شأن اجتماعی»، «باور به جایگاه تفکر و عقلانیت در تعاملات اجتماعی» و «توجه به امر گفت و شنود» با هم اشتراک نظر دارند. افتراقات میان این دو اندیشمند شامل «روشنگری در اندیشه لیپمن در مقابل محتوامحوری در اندیشه علامه» و «مرجعیت تفکر نزد لیپمن و ایمان نزد علامه طباطبایی» است.

حنیفه‌زاده، صادق‌زاده قمصری، فرامرز قراملکی و ایمانی نائینی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «تبیینی روش‌شناختی از فرآیند تحلیل مفهومی در فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی بر اساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی» با تأکید بر تمایز میان عناصر ثابت و متغیر در نیازهای بشری و تفکیک نسبت مفهومی از نسبت مصداقی، جایگاه ثبات و نسبت در فرآیند تحلیل مفاهیم تربیتی را مشخص می‌کند.

حسین‌آباد، علم‌الادیان، سوزنی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بازشناسی مفهوم «تربیت» در نظریه اعتباری علامه طباطبایی در تحلیلی «تربیت» را به (معنای اعتباری اجتماعی) مبتنی بر مشاهده تربیت تکوینی و انتقال ضرورت تکوینی موجود در آن، به رابطه دو انسانِ مختارِ معتبر تلقی می‌کند؛ بنابراین بر اساس مؤلفه‌های تربیت تکوینی

1. dialogos  
2. Paulo Freir



می‌توان گفت، تربیت معنایی اعتباری است که در ظرف اجتماع در مورد فرآیندی که میان دو یا چند نفر در جریان است به کار می‌رود که متضمن تحقق کمالاتی برای متربیان، دوسویه بودن، تدریجی بودن و محوریت مودت و رحمت است.

با بررسی پژوهش‌های گذشته می‌توان دریافت افرادی که در معرض گفت‌وشنود میان فرهنگی قرار گرفتند در بسیاری از مواقع به توانایی‌های آنها در خلاقیت، روشنگری در اندیشه و پیامدهای تربیتی در تدریس مدد رسانده است و همچنین کاربرد ادراکات اعتباری علامه جایگاه مهمی در تشخیص فرایندهای تحلیل مفاهیم تربیتی و تحقق کمالات افراد در تعلیم و تربیت داشته است. ازاینرو، با بررسی مبانی گفت‌وشنود میان فرهنگی و استنباط دلالت‌های تربیتی آن می‌تواند برای تعلیم و تربیت به ایده‌های کاربردی دست یافت.

### مفهوم «گفت‌وشنود میان فرهنگی» نزد علامه طباطبایی

علامه طباطبایی از متفکران و مفسران مسلمان دوره معاصر بود که به نقش برجسته گفت‌وشنود در تعاملات میان فرهنگی قائل است. وی جهت توجیه این نظر خود به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران<sup>۱</sup> اشاره کرده و بر لزوم هم‌فکری و همکاری عموم افراد بشری برای حل مشکلات جامعه و دستیابی به سعادت تأکید و بیان می‌کند: «سعادت کامل دنیوی و اخروی منوط به وجود رابطه در جامعه است؛ بدین معنا که باید اقدامات تک‌تک افراد به هم وصل شود تا نیرویی بیشتر و قوی‌تر حاصل گردد» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۴۴). براین اساس، وی انسان را موجودی می‌داند که در تعامل با دیگران و مناسبات اجتماعی رشد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۵۳). همچنین ایشان تحت تأثیر فضای گفت‌وشنود-محور موجود در قرآن معتقد است که می‌توان با هر فردی وارد گفت‌وشنود شد. ولی از آنجا که معتقد است هیچ‌کس نمی‌تواند در مقام معرفت‌شناسی، خود را مالک تمام حقیقت بداند، بر لزوم انجام گفت‌وشنود برای نزدیک شدن به حقیقت و معرفت بدان تأکید می‌کند. و هم از همین روست که وی هیچ پیش‌شرطی برای انجام گفت‌وشنود نمی‌گذارد و بر این اعتقاد است که می‌توان در مورد هر موضوعی با دیگران به بحث و گفت‌وشنود نشست (مرعشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۲-۱۸۳). تعبیر

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

دیگری که می‌توان در خصوص عدم دسترسی به تمام حقیقت به کار برد این است که گفته شود یقین به معنای دقیق کلمه تقریباً قابل حصول نیست. معارف بشری یقین آرامش بخش نمی‌دهند. به قول بوعلی، یقین آن چنان کم است که در بسیاری موارد راه ندارد. مثلاً در ریاضیات، بخش حساب، یقین هست. نکته مهم این است که بنا به گفته علامه جوادی آملی گاهی انسان مظنه متراکم را یقین می‌پندارد (صفایی مقدم، ۱۳۸۶، صص ۱۸-۱۹). پس از نظر علامه درک ما از واقعیت، یک فهم فی‌الجمله است که دستگاه‌های ادراکی ما در چگونگی این دریافت مؤثرند. هم‌چنین موقعیت جغرافیایی زندگی و به‌طور کلی عوامل محیطی به‌ویژه محیط عمل و نوع اشتغال، کثرت ورود یک اندیشه به مغز انسان از طریق توارث افکار، تلقین و تبلیغات در فهم، ادراک، معرفت و دریافت ما مؤثرند؛ بنابراین تمام حقیقت در انحصار شخص یا گروه خاصی نیست (یزدانی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴۴)؛ در واقع، درک مطلق یا حقیقت مطلق منحصراً در اختیار وجود مطلق است. براساس چنین باورهای مبنایی، علامه به روابط میان فرهنگی معتقد است و رشد فرد و جامعه را در گرو تأمین شرایط ضروری برای عملی شدن این رویکرد می‌داند. وی در این خصوص می‌گوید:

﴿انسان با غریزه خدادادی خود می‌فهمد که کلید سعادت و خوشبختی زندگی همانا فرهنگ هست و پیشرفت زندگی با پیشرفت فرهنگ توأم است و هرگز پیشرفت فرهنگی بدون استدلال منطقی و گفت‌و شنود آزاد (میان فرهنگ‌ها) صورت‌پذیر نیست و چنان چه روزی هم جامعه انسانی به واسطه تاریکی محیط یا عوامل غیرطبیعی دیگری، از این مسئله آن‌طوری که باید و شاید روشن نبوده است، امروز دیگر این مسئله جزء بدیهیات به‌شمار آمده و کمترین ابهامی در آن نمانده است﴾ (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۸۴).

## مبانی، اصول و روش‌های تربیتی گفت‌و شنود میان فرهنگی از نگاه علامه طباطبایی

رویکرد گفت و شنود میان فرهنگی از کدام مبنا یا مبانی نظری نشأت می‌گیرد؟ کدام باورهای انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی پشتیبانان نظری این رویکرد هستند؟ چگونه و طی چه فرایندی این مبانی می‌توانند این رویکرد را ارائه دهند؟ هر کدام از این مبانی

چه دستاوردهای منطقی در حوزه اصول و روش‌های تربیتی دارند؟ به عبارت دیگر، چه اصول و روش‌های تربیتی در راستای رویکرد گفت‌و‌شنود میان فرهنگی هستند؟

منظور از مبنا پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی و گرایش‌هایی است که به وصف واقعیت‌هایی می‌پردازند که به نوبه خود می‌توانند آبخور اصول و روش‌هایی برای زندگی باشند. مقصود از اصول تعلیم و تربیت، قواعدی است که می‌توان آن را نوعی دستورالعمل کلی و راهنمای عملی تدابیر تربیتی دانست، که البته از مبناها ناشی شده‌اند. زبان مبانی زبان توصیف است، ولی زبان اصول زبان تجویز است. مبانی با «هست‌ها» سر و کار دارند، ولی اصول از «بایدها» سخن می‌گویند؛ بر خلاف مبانی که جنبه توصیفی و تبیینی دارند، اصول با تکیه بر مبانی، به صورت گزاره‌های تجویزی و انشایی بیان می‌شوند (بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۰). چنان که اصول بر مبانی تکیه دارند، روش‌ها نیز بر اصول مبتنی هستند. البته، اصول و روش‌ها از یک سنخ هستند، زیرا هر دو، دستورالعمل‌اند و به ما می‌گویند که برای رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر، چه باید بکنیم؛ اما تفاوت آنها در این است که اصول، دستورالعمل‌های کلی و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند (باقری، ۱۳۸۷: ۸۸). در این نوشتار منظور این است که کدام باورهای علامه طباطبایی در مورد انسان و معرفت وی را به اتخاذ رویکرد گفت‌و‌شنود میان فرهنگی هدایت کرده است؟ بنابراین، در ادامه مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی که پشتیبانان نظری دیدگاه علامه در ارائه رویکرد گفت‌و‌شنود میان فرهنگی هستند بیان شده و اصول و روش‌های تربیتی برآمده از این مبانی تبیین و در عین حال جایگاه این رویکرد در اصول و روش‌ها نیز ارائه می‌گردد.

## الف. مبانی انسان‌شناختی رویکرد گفت‌و‌شنود میان فرهنگی:

### ● مبانی اول: اعتبار استخدام. انسان موجودی استخدام‌گر است.

هر انسانی مطابق میل طبیعی همواره می‌خواهد از قوای دیگران به نفع خود استفاده کند؛ چون هیچ فردی حاضر نیست قوای خود را به‌رایگان در اختیار افراد دیگر بگذارد، نتیجه این می‌شود که هر کس به سهم خود چیزی از نیروهای خود را در اختیار دیگران گذارده تا از نتایج قوای دیگران بهره‌مند گردد. اعتبار «استخدام» به تشکیل «اجتماع تعاونی» منتهی می‌شود. این مصالحه دائمی در قوای خدادادی که دائماً در میان افراد جامعه

بشریت جریان دارد، ضامن حفظ و ترقی و تکامل آن است و آنچه به این معنا کمک کند، چون متکی به یک اصل غریزی است، پایدار می‌ماند (طباطبایی، ۱۳۸۷، «ب»: ۲۶)؛ بنابراین، اگر بعضی از افراد بشر فقط به دنبال منافع و سود خویش برآیند و نیازها و منافع دیگران را در نظر نگیرند و فقط درصدد تحقق خواسته‌های فرهنگ خویش‌تن باشند، باعث اختلاف و درگیری میان فرهنگ‌ها می‌شود. به همین جهت به دلیل تفاوت فرهنگی بین افراد از جهت خلقت و منطقه زندگی و عادات و اخلاق مستند به محل زیست در میان افراد وجود داشته، نتیجه آن اختلاف از حیث قوه و ضعف است به اختلاف و انحراف از عدل اجتماعی، که لازم اجتماع صالح است، می‌انجامد؛ به گونه‌ای که قوی از ضعیف بیشتر بهره می‌برد و غالب بدون بهره دادن به مغلوب از او بهره می‌جوید و ضعیف و مغلوب نیز با حيله و فریب و خدعه مقابله می‌کند تا اینکه قوی شود و از ظالم شدیدترین انتقام را بگیرد. بدین ترتیب، بروز اختلاف در صورت استمرار به هرج و مرج و هلاک انسان منجر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۷۷).

پس به عقیده علامه، انسان در آغاز به دنبال منفعت خود است. انسان، با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته از همه سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم) (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۲۰۷). بر این اساس، بنابراین، قریحه استخدام به زندگی اجتماعی می‌انجامد و حکم اعتباری انسان به وجوب زندگی مدنی و اجتماع تعاونی اعتبار اجتماع است و لازمه این حکم دیگری است به لزوم استقرار اجتماع؛ به گونه‌ای که هر ذی‌حقی به حق خود برسد، نسبت‌ها و روابط میان اعضای اجتماع متعادل باشد و این حکم به عدل اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۲، ۲۰۸)؛ اما انسان‌ها در درون اجتماع از حد تعادل تجاوز می‌کنند و به دنبال حداکثر رساندن سود خود هستند. در اینجا انسان ضرورت نظم را تشخیص می‌دهد و به اعتبار قانون پی می‌برد (لک زایی و فلاح، ۱۳۹۴: ۹۸).

### اصل اول. انتفاع دوگانه: گفت‌و شنود باید در جستجوی منافع طرفین باشد.

مطابق مبنای استخدام، مطلوب اول شخص این است که همگان را به استخدام خود در بیاورد. در جریان یک گفت‌و شنود طبیعی هم فرد در مرحله اول به دنبال اثبات و نفع خود است. علامه، مدنیت و زندگی اجتماعی را مقتضای طبیعت انسان نمی‌داند.

وی معتقد است که انسان به طبع برای جلب منافع خود، دیگران را به خدمت می‌گیرد؛ او برای آنکه اهداف حیاتی خود را تأمین کند، امور طبیعی، گیاهان و حیوانات را به خدمت می‌گیرد و در این مسیر از هم‌نوعان خویش نیز نمی‌گذرد؛ بلکه در استخدام آنان جدی‌تر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۹۱). اما در عمل متوجه می‌شود که دیگران هم چنین میلی دارند. حال اگر طرفین گفتگو صرفاً دنبال کسب منفعت خود باشند کار گفت‌و‌شنود به جدال و مخاصمه می‌انجامد. لذا به این نتیجه می‌رسد که به دست آوردن سود خود مستلزم حرکت در مسیر تأمین منفعت خود و طرف مقابل است.

### روش تعامل مسالمت‌آمیز

بر اساس اصل انتفاع دوگانه، مربی باید مهارت‌های ناظر به گفت‌و‌شنود تعاملی و مسالمت‌جویانه، مثل احترام متقابل، همدلی و گوش دادن را با مربی تمرین کند تا همه‌ی گروه‌های فرهنگی از گفت‌و‌شنود میان فرهنگی منتفع شوند. نظر علامه با نظر کسانی که انسان را بنا به طبع اولیه اجتماعی می‌دانند، مغایر است؛ با این بیان که فطرت درمی‌یابد نیازهایش در زندگی متعدد است و به‌تنهایی قادر نیست آن‌ها را تأمین کند و ناگزیر است اجتماعی زندگی نماید (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۴۲). دیویی<sup>۱</sup> از جمله فیلسوفان تربیتی است که مدرسه و کلاس درس را به‌مثابه جامعه هسته‌ای در نظر می‌گیرد که در آن متعلمان در کنار یکدیگر به حل مسائلی که همگی در آن سهیم‌اند، می‌پردازند. از راه گفت‌و‌شنود درباره اهداف، آرمان‌ها و پروژه‌های مشترک، مربیان وضعیت خود را جدا و ناپیوسته به‌صورت جماعتی که اعضای آن علائق و فعالیت‌های مشترک دارند، تغییر می‌دهند (گوتک<sup>۲</sup>، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

### اصل دوم. عدالت، برابری و انصاف: گفت‌و‌شنود باید منصفانه و عادلانه باشد.

طبق این اصل تربیتی، باید گفت‌و‌شنود عادلانه و بر اساس مساوات باشد. بوبر<sup>۳</sup> گفت‌و‌شنود را رابطه‌ای می‌داند که هرکس با شخصیت مستقل خویش وارد ارتباط می‌شود و وجود مستقل هیچ‌کسی در گردونه ارتباط کم دیده یا نادیده گرفته نمی‌شود. از طریق ارتباط گفت‌و‌شنودی، افراد حضور یکدیگر را می‌پذیرند و حضور دیگری را

1. Dewey
2. Gutek
3. Buber

تأیید می‌کنند (نیستانی، ۱۳۹۸: ۵۸). گفت و شنود باید از موضعی برابر و منصفانه باشد. در واقع، مربی در گفت و شنود کلاسی موضعی مساوی برای دو طرف گفت و شنود در نظر می‌گیرد. به طوری که در جریان گفت و شنود هیچکدام از طرفین احساس نکنند که موضعی پایین‌تر دارند یا کمتر به رسمیت شناخته شده‌اند. مربی باید به این درک برسد که به دنبال تأیید فرهنگ دیگری، فرهنگ او اعتبار می‌یابد. بر اساس اصل عدالت و انصاف باید برای دیگر فرهنگ‌ها در گفت و شنود حقوقی همانند آنچه برای خود می‌پسندیم، در نظر بگیریم. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این مورد می‌فرماید:

﴿عادل‌ترین مردم، کسی است که بر مردم همان پسندد که بر خود می‌پسندد و بر آنان نپسندد آنچه را بر خود نمی‌پسندد﴾.

(بحارالانوار، ج ۷۲: ۲۵).

بنابراین، تنها در گفت و شنود عادلانه و منصفانه است که نظام تربیتی عادلانه شکل می‌گیرد و حیثیت اجتماعی انسان به شکلی مناسب محقق می‌گردد. در چنین جامعه‌ای نتیجه تلاش هریک از افراد، میان همه توزیع می‌گردد و او نیز از نتیجه تلاش دیگران به قدر استحقاق بهره‌مند می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۹۱).

### روش تبیین و به کارگیری گفت و شنود عادلانه و منصفانه

باید برای مربی روشن شود که منفعت حقیقی او در جریان یک رابطه گفت و شنودی تنها زمانی حاصل می‌شود که گفت و شنود منصفانه و عادلانه باشد. پس از تبیین این موضوع باید شرایطی را برای تمرین چنین گفت و شنودی فراهم نمود. در این میان البته باید همه لوازم منطقی چنین گفت و شنودی نیز تأمین گردد. در این راستا مربی باید این معنا را درک کند که اگر فقط به خواسته‌های خود پافشاری کند و نسبت به خواسته‌های دیگران بی‌تفاوت باشد، قطعاً منجر به درگیری و اختلاف می‌شود. در همین راستا، گادامر، گفت و شنود را فرایندی می‌داند که از طریق آن دو نفر یکدیگر را درک می‌کنند. در گفت و شنود باید هرکس آغوش خود را بر روی دیگری بگشاید، دیدگاه دیگری را پذیرا باشد و در دیگری تا اندازه‌ای رسوخ کند تا بتواند او را بفهمد (Gadamer, 1988: 347).

## ● مبنای دوم: انسان موجودی کمال‌گرا است.

به اعتقاد علامه طباطبایی هدف از خلقت انسان، دستیابی به کمال دنیوی و اخروی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ۱۰۴). ایشان، انسان را موجودی تکوین یافته در همین طبیعت که دارای منشأ مادی است، می‌داند؛ اما از ماده به‌سوی معنا در حرکت است و شرافت وی به بعد معنوی اوست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۴۲۷). انسان از آن جهت که در دنیا زندگی می‌کند دارای هستی‌ای مادی و طبیعی است. زندگی طبیعی و مادی انسان، زمینه حرکت و تکاپوی انسان برای رفع احتیاجات و نیل به کمالات را فراهم می‌آورد. لکن رفع نیازها و نیل به کمالات انسانی بدون اجتماع حاصل نمی‌شود. به همین دلیل انسان به‌طور طبیعی به‌سوی زندگی اجتماعی کشیده می‌شود (طباطبایی، ۱۹۹۹م، ۱۹۲). بنابراین، تحقق کمال‌گرایی انسان در گروه اجتماع است و تداوم اجتماع هم در گروه گفت‌و‌شنود مطلوب است. از طرف دیگر، علامه طباطبایی اهمیت به‌سزایی برای سعادت افراد قائل است. اما نیل به سعادت و رستگاری را نیز تنها در پرتو تعاملات اجتماعی و در ارتباط با دیگران امکان‌پذیر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۴۴).

## اصل. تعامل مداوم فرهنگ‌ها: باید فرهنگ‌ها در یک اجتماع فرهنگی به تعامل مداوم بپردازند.

بر مبنای میل طبیعی آدمی به کمال، می‌توان اصل توجه به این میل طبیعی که اساس کمال و سعادت‌مندی فرد است را مطرح نمود. همان‌طور که کمال و سعادت‌مندی فرد در پرتو حضور فعال در جامعه به‌دست می‌آید، رشد و تکامل فرهنگ نیز در اثر تعامل با دیگر فرهنگ‌ها حاصل می‌شود. اجتماع فرهنگ‌ها بستر رشد فرهنگ‌هاست. بنابراین هر فرهنگ چنانچه در سر‌هوای رشد و کمال را دارد باید در تکوین اجتماع فرهنگی تلاش کند. طبق این اصل، باید جهت تکمیل و ترقی فرهنگ‌ها زمینه تعامل با فرهنگ‌های متکثر را مهیا نمود. بنابراین، در محیط کلاس متکثر‌متربیان، یا همانند هم‌یا همچون مربی نمی‌اندیشند، بلکه آزاد هستند، آن‌طور که می‌خواهند، فکر کنند و اساساً انتظار متحدالشکل بودن و یکتایی از کلاس تکرارگرا را نباید انتظار داشت (علی‌آبادی، مسعودی، غفاری و باغلی، ۱۳۹۷: ۸۰).

## روش اول: تعامل مبتنی بر گفت و شنود گروهی

بر اساس اصل تعامل فرهنگ‌ها می‌توان روش تعامل مبتنی بر گفت و شنود گروهی را پیشنهاد داد. تحقق کمال‌گرایی متربیان در گروه کار گروهی و جمعی است. برای این که جریان رشد و تعالی در متربیان تحقق یابد، باید زمینه‌های رشد توسط مربی در متربیان را فراهم نمود. نه تنها اجتماع گروه‌های فرهنگی پیش‌شرط رشد فرهنگ‌هاست، بلکه حضور نحله‌های مختلف فرهنگی هم در میان یک اجتماع فرهنگی واحد ضروری می‌باشد. برای این که کلاس درس، محلی برای تضارب آراء مختلف باشد، متربیان باید به صورت گروهی و روبه‌روی هم نشستند به گفت و شنود بپردازند. می‌توان به نظریه ویگوتسکی درباره تأثیر کار گروهی بر یادگیری و یادگیری مشارکتی اشاره کرد. بر مبنای نظریه اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی، گفت و شنود می‌تواند بسان ابزاری روان‌شناختی در نظر گرفته شود که از طریق مشارکت افراد، موجب ارتقای معنای کلاس درس شود (نیستانی، ۱۳۸۸).

## روش دوم: به پرسش گرفتن ایده‌ها

یکی از مهم‌ترین روش‌های گفت و شنود میان فرهنگی، به پرسش گرفتن ایده‌ها است. بقا و تداوم اجتماع‌های فرهنگی نیازمند ایده‌های جدید پرسشگری است که به وسیله آن، اعتبارها، آگاهی‌ها و ارزش‌های جدید خلق و کشف می‌شوند. مربی باید زمینه پرسش و پاسخ گروهی را برای درک بهتر مسائل فرهنگ‌ها فراهم کند تا متربیان به شناخت جدیدی دست یابند. اساساً اسلام بیش از هر دینی به گفت و شنود به عنوان اصلی برای آگاه‌سازی مردم از حقایق هستی و آشنا ساختن آن‌ها با روش تکاملی خود و دستیابی به تمدن برتر، پای فشرده است (محمدی ری‌شهری و برنجکار، ۱۳۷۹: ۱۴). بنابراین، گفت و شنودها، تبادل تجارب و اندیشه‌های متنوع در کنار یکدیگر باعث ایجاد اندیشه‌های نوین در متربیان می‌شود.

## ب. مبنای معرفت‌شناسی:

در این قسمت از پژوهش، مبنای معرفت‌شناختی گفت و شنود میان فرهنگی از دیدگاه علامه طباطبایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مبنای معرفت‌شناختی گفت و شنود میان فرهنگی گزاره‌هایی است که دیدگاه علامه طباطبایی را درباره معرفت انسان



به صورت کلی بیان می‌کند. بنابراین، در این قسمت مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناختی گفت‌و‌شنود میان فرهنگی در دیدگاه علامه طباطبایی بررسی می‌گردد.

### ● مبانی اعتبارسازی انسان: انسان اعتبار آفرین است.

علامه طباطبایی اعتباریات را به دو قسم تقسیم می‌کند: (۱) اعتباریات به معنی اعم که مقابل مهیات است؛ (۲) اعتباریات بالمعنی الاخص یا اعتباریات عملی که لازمه قوای فعالانه انسان یا دیگر موجودات زنده است. محل بحث در این جا قسم دوم یعنی اعتباریات عملی است که مولود احساسات مناسب با قوای فعاله است؛ یعنی به طبیعت و قوای برخاسته از آن در انسان باز می‌گردد. به همین جهت، بقا، زوال یا ثبات و تغییر آنها تابع احساسات درونی‌اند. همین اعتبارات شامل دو دسته هستند: الف) اعتباریات عمومی مربوط به احساسات عمومی انسان یا یک نوع و تابع ساختمان طبیعی آن نوع مانند اصل دوستی و دشمنی؛ ب) اعتباریات خصوصی که مربوط به افراد نوع یا گروهی از نوع است که تغییر و تبدیل‌پذیر است مانند زیبایی و زشتی خصوصی (طباطبایی، ۱۳۶۲). علامه در مورد نحوه پیدایش و بسط اعتباریات اذعان می‌کند که انسان در طول زمان همواره بین خود (قوای فعاله) و افعال خود، سلسله ادراکات و علومی را واسطه قرار داده است. این وساطت البته از ناچاری بوده است. انسان بدون وساطت امور اعتباری نمی‌توانسته است نیازهای خود را رفع کند. البته همان‌طور که علامه می‌پذیرد قلمرویی وجود دارد که ساخته خود انسان است و بخشی از ادراکات وی مربوط به همین قلمرو است، ولی در عین حال بخشی دیگر ادراکات را متعلق به قلمروی می‌داند که تابع خواست و عمل انسان نیست و وجود و عدم انسان در آنجا دخلی ندارد (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۳۹).

به عبارت دیگر، انسان بنا به وجه طبیعی، موجودی طبیعی با ساختاری از پیش تعیین شده است که نیازهای بسیاری دارد و برای رفع نیازها و برای حفظ و دوام خود باید بکوشد؛ اما بنا به وجه فرهنگی‌اش، با تولد یافتن، ناگزیر از محیط و فضا و تربیت رنگ می‌گیرد و خصوصیات احساسی و ادراکی و رفتاری خاصی می‌یابد. این وجه، با تربیت در فرهنگی خاص آغاز می‌شود (مصلح، ۱۳۹۲: ۳۸). انسان در آغاز چیزی که برای او ضروری است، درک می‌کند و براساس آن خواسته، نیازی را احساس کرده و سپس برای تأمین نیاز، حکمی را اعتبار می‌نماید (رمضانی، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۲۰۱).

علامه استکمال انسان را به ادراکات اعتباری منوط می‌داند. انسان باید برای کمال

یافتن، علمی داشته باشد توأم با عملی که خودساخته است. به بیان دیگر انسان فقط با فرهنگ به کمالات می‌رسد؛ اما چون اعتباریات و فرهنگ باعث تکثر می‌شود، پس راه‌های متفاوتی برای نیل به کمالات، پیش روی انسان قرار می‌گیرد. علامه با این‌گونه طرح مسئله، بر تکثر راه‌هایی که انسان برای رسیدن به کمال می‌جوید، صحنه می‌گذارد. از این جهت کثرت‌گرایی در شناخت بحثی پذیرفتنی است به بیانی، انسان به محض وجود یافتن، بر اساس خصوصیت ذاتی‌اش، باید برای رفع نیازهایش بکوشد. این کوشش البته باعث کمال او خواهد شد؛ اما برای چنین کوششی باید بسازد و بیافریند (مصلح، ۱۳۹۲: ۶۸).

### اصل اول. پذیرش تطور فرهنگی:

از مبنای اعتبارسازی انسان، به عنوان واسطه میان فرد و عمل، این اصل را استخراج می‌کنیم که باید تطور فرهنگی را پذیرفت و بر آن صحنه نهاد؛ زیرا این تطور که در اعتبارسازی او تجلی می‌یابد پل میان فرد و عمل است، به این معنا که تنها با این ابزار می‌تواند منویات خود را به عمل در بیاورد. طبق این اصل، متربی باید از راه گفت و شنود با دیگران به ادراکات اعتباری جدیدی برسد. این گفت و شنود به صورت عملی در کلاس درس اتفاق می‌افتد. به طوری که زمینه پیشرفت و ترقی فرهنگی را میان متربیان هموار می‌سازد. بر همین اساس، علامه فرهنگ را حاصل تجربیاتی می‌داند که با اعتبارسازی دائم در طول تاریخ یک قوم تجدد پیدا می‌کنند. هر یک از فراگیران در فرهنگی خاصی متولد می‌شوند و در طول زمان با فرهنگ‌های جدیدی برخورد می‌کنند که باعث آموختن و پذیرفتن معرفت جدید در زندگی افراد شده و منشأ افعالی می‌شود. به تعبیری، هر کسی نیازهای انسانی خود را با تلبس به فرهنگی خاص و با توسل به اعتباریاتی برآورده می‌کند. از این رو، علامه باور دارد انسان در طول زمان احتیاجات متنوع بسیاری داشته و به تناسب همین نیازها، اعتباریات تازه‌تر و پیچیده‌تری ساخته و آفریده است. تعیین ریشه اصلی این اعتبارات دشوار است؛ اما مسلم است که آفرینش اعتباریات به مرور زمان صورت گرفته و تنوع و تکثر یافته است (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۰۱)؛ علامه، کلام و سخن را از جمله پیچیده‌ترین توانایی‌های انسان دانسته که او را قادر ساخته تا از نظر وی بسیار فراتر از دلالت عقلی و طبیعی، اصوات و الفاظی را برای دلالت بر معانی مختلف اعتبار نماید.

علت اساسی توسل به زبان، از یک طرف، وجود نیازهای واقعی در زندگی اجتماعی انسان و از طرف دیگر، کارکردهای مختلف زبان، باعث حدوث آثار عینی و حقیقی در راستای رفع احتیاجات و تحقق سعادت دنیوی و اخروی او می‌شود؛ مانند تحولی که برخی از معلمان و رهبران در یک فرد یا در یک جمع ایجاد می‌کنند و یا توصیه‌هایی که متولیان نظام سلامت جامعه در شیوع همه‌گیری ویروس کرونا جهت تأمین سلامت همگان می‌کنند و موجب تغییر رفتار مردم همانند استفاده از ماسک و رعایت فاصله‌گذاری‌های اجتماعی و غیره می‌شوند. در این مثال هم مشاهده می‌شود که اعتباری به نام زبان، هم از حیث خاستگاه و هم از جهت آثار و نتایج، دارای ارتباط عمیق با امور حقیقی است (جمال پور، ۱۳۹۹: ۱۲۹-۱۳۰)؛ بنابراین، طبق این اصل مدرسه باید محل تلاقی ادراکات اعتباری جدید در طول زمان باشد که متریبان از طریق گفت‌وشنود با همدیگر تجارب خود را به اشتراک می‌گذارند. این اشتراک تجارب افق جدیدی در فراروی فراگیران هر فرهنگ قرار می‌دهد. در چنین گفت‌وشنودی دیگر نه تنها مربی و متریبی دارای فرهنگ خاص، صاحب اندیشه و معرفت کامل نیست، بلکه شناخت، امری بین‌الذهانی است که در نتیجه تعامل و گفت‌وشنود با دیگران در طول زمان منجر به تطور فرهنگی می‌شود.

### روش اول: گشودگی نسبت به تنوع فرهنگی

از اصل تطور فرهنگی، روش گشودگی نسبت به فرهنگ‌های مختلف استنتاج می‌شود. علامه که با اصل تطور دائمی در قلمروی اعتباریات موافق است (مصلح، ۱۳۹۲: ۵۲) فرهنگ را امری تاریخی و زمانمند می‌داند و به همین دلیل به رشد و تطور مداوم آدمیان قائل است. بنابراین، برای این که فراگیران در طول زمان به سوی پیشرفت و تجدد فرهنگی گام بردارند مربی باید روش گشودگی نسبت به تنوع فرهنگی را در جریان گفت‌وشنود را در کلاس درس با فراگیرانی که از لحاظ فرهنگی متکثر هستند تمرین کند. این تکثر و تنوع می‌تواند شامل تنوع قومیتی، دینی، جنسیتی و دیگر تنوعات و تکثرات باشد.

بر اساس این روش، هیچ‌کس از تعامل با دیگر فرهنگ‌ها بی‌نیاز نیست. اروپا در عصر روشنگری ملغمه‌ای بود از دستاوردهای فکری یونانی رومیان، ژرمن‌ها، انگلوساکسون در تلفیق با عوامل تأثیرگذار فرهنگ‌های عربی و چینی (اشتراوس، ۱۳۷۵)؛ و نهضت ترجمه متون فلسفی از یونانی به عربی و شرح و تفسیر آنها توسط مسلمانان در قرن دوم

و سوم هجری و باز ترجمه از عربی به زبان‌های اروپایی، یکی از زمینه‌های شکل‌گیری رنسانس فکری در اروپا بود. (اسدی و شمشیری، ۱۳۹۹: ۱۷۵).

### روش دوم: ارتقاء مدارا نسبت به اقلیت‌ها و همبستگی در جامعه فرهنگی

از آنجا که مواجهه ابتدایی با ارزش‌های متفاوت فرهنگی می‌تواند حالت انفعالی در فرد ایجاد کند و منجر به موضعی خصمانه گردد، باید به ارتقای سطح رواداری افراد مبادرت ورزید. مربی باید ارتقاء مدارا نسبت به اقلیت‌ها و همبستگی در جامعه فرهنگی را در کلاس درس به متربیان آموزش دهد و متربیان را از خطرهای تعصب، خودخواهی و خود-برتری بر حذر سازد. همچنین مربی در مواقع بروز خطر واکنش مناسب نشان دهد و مراقب باشد که گفت و شنود دوستانه به جدال و نزاع تبدیل نشود.

﴿امام صادق (ع) می‌فرماید: «ایاکم و المرء و الخصومة فانهما یمرضان القلوب علی الاخوان و تنبت علیهما النفاق» (شهید ثانی، ۱۴۰۹م، ص ۱۴۹)؛ از جدال و نزاع حذر کنید؛ زیرا دل انسان را نسبت به برادران دینی چرکین می‌کند و موجب می‌شود تخم‌های نفاق رشد کنند.

### اصل دوم. تغییر در ادراکات اعتباری: باید تغییر در ادراکات و علوم اعتباری را به رسمیت شناخت.

همان‌طور که در مبنای اعتبارسازی انسان گفته شد، علامه علوم را به علوم اعتباری و علوم حقیقی تقسیم می‌کند. علوم اعتباری که شامل فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی می‌شود، در گذر زمان و تحت تأثیر رخدادهای مختلف بیرونی و درونی تغییر می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۳۹). به همین جهت انسان در میان تمامی مخلوقات الهی تنها موجودی است که راه‌ها و امکاناتی بسیار برایش وجود دارد و باید با انتخاب و تصمیم‌گیری خویش، سرنوشت خود را رقم زند. انسان تا در انتخاب مسیر به موضع‌گیری نپردازد و دست به عمل نزند، رشد پیدا نمی‌کند (پاپی، هاشمی، ولوی و صفایی‌مقدم، ۱۴۰۱، ۱۹). طبق این اصل، گفت و شنود میان فرهنگی فرایندی است که زمینه شناخت و تغییر ادراکات اعتباری دیگری را در مرتبه به وجود آورده و زمینه لازم را برای گفت و شنود متربیان با فرهنگ‌های متنوع فراهم می‌آورد تا متربیان بتوانند

اعتباریات جدید خلق کنند. در واقع، فرایند گفت‌وشنود میان فرهنگی در کلاس درس می‌تواند عامل مهم تغییر ادراکات اعتباری و تجدد فرهنگی شود.

### **روش اول: روش مواجه کردن مرتبی با موقعیت‌های مختلف یادگیری و گفت‌وشنود**

بر اساس اصل تغییر، وظیفه مربیان مواجه کردن متربیان با بافت‌ها و موقعیت‌های مختلف یادگیری و گفت‌وشنود است. تنوع فرصت‌های یادگیری، سبب می‌شود که نظام تعلیم و تربیت از تفاوت‌های فردی خود به نحو مناسب بهره‌بردار (متقی، بختیار نصرآبادی، نجفی و امام‌جمعه، ۱۳۹۷: ۱۳۸). این بدان معناست که متربیان بتوانند در موقعیت‌های مختلف از نماد مناسب ارتباط استفاده کنند و یاد می‌گیرند که در موقعیت‌های مختلف از ادراکات اعتباری مناسب استفاده کنند؛ چرا که هر دوره سنی، ادراکات و نمادهای ادراکی خاصی می‌طلبد و در سنین پایین، زبان اولیه متربیان قادر به درک و فهم بسیاری از نمادها نیست و خیلی از نمادها برای او قابل درک و فهم نیستند. مربی باید از روش کیفیت ادراک ذهنی متربیان، ساده‌سازی و قابل فهم کردن نمادها در سنین پایین را به متربیان یاد دهد و از یک سری ادراکات اعتبارات مناسب بافت و سن متربیان استفاده کند. علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید:

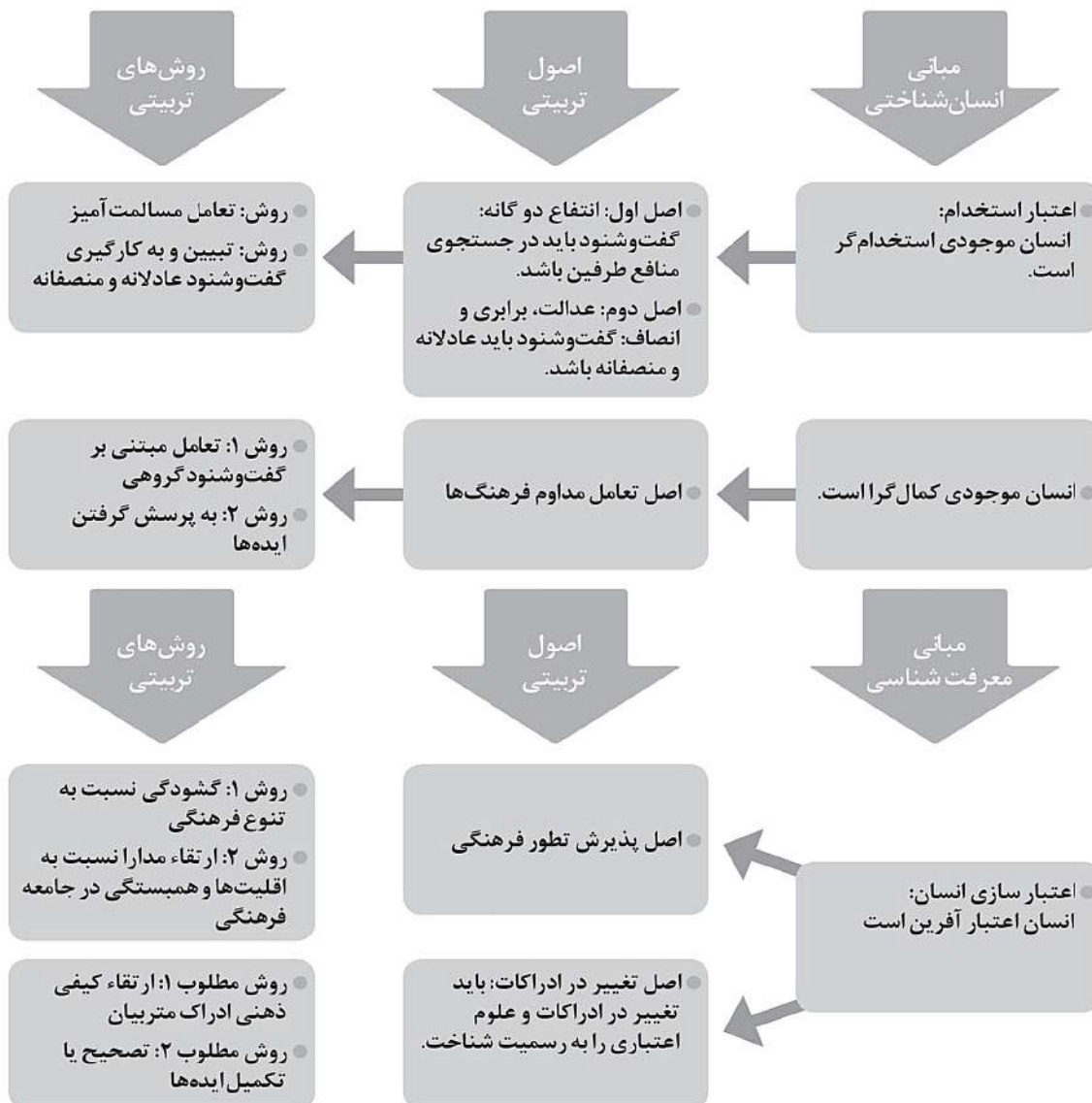
﴿مراتب سن آدمی و ویژگی‌های قوا و اوضاع خلقتش، هر یک منشأ احکام و آثار مخصوصی است که نمی‌توانیم یکی از آن آثار را در غیر آن سن و سال، از کسی توقع داشته باشیم.﴾ (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۸).

### **روش دوم: روش تصحیح یا تکمیل ایده‌ها**

اصل تغییر به ما حکم می‌کند که به دنبال تغییر باشیم. اما تغییر در یک جریان تربیتی و فرهنگی باید جهتی رو به رشد داشته و به نیل به معرفت کمک کند. به باور علامه طباطبایی بحث، استدلال و گفت‌وشنود و تعامل فکر و اندیشه میان فرهنگ‌ها جایگاه ویژه‌ای در فهم، دریافت و کشف حقیقت دارد. ایشان بر این باور است که خود قرآن نیز برای کامل نمودن شناخت افراد از روش گفت‌وشنود استفاده نموده است. وی در تفسیر المیزان برای تبیین بهتر مراد الهی، این شیوه را مراعات کرده و در جاهایی با طرح یک پرسش به زوایای پنهان موضوع وارد شده و با پاسخ‌های منطقی خود به تفهیم مطالب کمک کرده است. به باور ایشان، پیامبران الهی پیوسته خود را در هنگام بحث و

گفت و شنود یکی از افراد مردم به حساب می‌آوردند و با هر طبقه‌ای به میزان استعداد و فهمشان رفتار و گفت و شنود می‌کردند. این حقیقت از گفت و شنودهایی که به حکایت قرآن با مردم داشته‌اند به خوبی استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۴۷۷). بنابراین، مربی باید متریبان را با موقعیت‌های مختلف مواجه کند تا آنها بتوانند در بافت‌های مختلف ایده‌های خود را تصحیح کنند؛ بنابراین، مربی باید زمینه لازم برای گفت و شنود در موقعیت‌های مختلف را برای متریبان تدارک ببیند؛ به گونه‌ای که مربی بتواند در موقعیت‌های مختلف ادراکات اعتباری خود را تصحیح کند.

### مبانی، اصول و روش‌های تربیتی رویکرد گفت و شنود میان فرهنگی علامه طباطبایی



## بحث و نتیجه‌گیری

علامه طباطبایی با طرح اعتباریات، خوانش جدیدی در بحث شکل‌گیری فرهنگ ارائه کرد که بر مبنای آن، خاستگاه نظام هنجاری، به نیازها، غایات و گرایش‌های درونی و فطری انسان بازمی‌گردد. این عناصر درونی پیش از اجتماع، در ساختار وجودی انسان وجود دارد؛ به طوری که از آن می‌توان به‌عنوان منشأ آفرینش فرهنگ یاد کرد. به بیان بهتر، از رویارویی این عناصر درونی با محیط‌های متفاوت است که نیازها، تمایلات و غایات آشکار می‌شوند تا افزون بر شکل‌گیری فرهنگ‌های گوناگون سبب شود متابعت از این نظام هنجاری، امکان داوری درباره فرهنگ‌ها را فراهم کند. بدین روی چنین نیست که فرهنگ‌ها نسبت به همانندی با نیازهای آدمی و والایی او، بدون قید و شرط عمل کنند؛ بنابراین پذیرش فطرت و ساختمان سرشتی انسان، بسان خاستگاه شکل‌پذیری اعتباریات، هم در برگیرنده رویکردی رئالیستی و هم بیانگر طریقتی برای اراده انسانی است و این یعنی همه فرهنگ‌ها از اصالت و اعتبار یکسان برخوردار نیستند.

پس اعتباریات در عین‌الگوی تحقیقاتی، می‌تواند مرزهای مفهومی تازه‌ای را برای بازنگری سامان‌مند در گفت‌وشنودهای میان‌فرهنگی ایجاد کند. از این رو، از اعتباریات می‌توان به‌عنوان یک رویکرد/چارچوب برای گفت‌وشنود و به رسمیت شناختن تفاوت‌های فرهنگی و افزون بر آن به داد و ستد فعال و تعاملات دوسویه میان فرهنگی سودجویی کرد. تا این تعاملات، به جای نادیدن تنوع (رویکردی مهمان‌کار) یا انکار آن (رویکردی همسان‌گرا) از تقویت دیوارهای بین‌گروه‌های ناهمگون فرهنگی پیشگیری کند تا مالا با شناخت صریح ارزش‌های تنوع فرهنگی، امکان درهم‌آمیختگی و هم‌آمیزی بین فرهنگی را در سایه گفت‌وشنود فراهم نماید.

در پی دستیابی به هدف اصلی این مقاله دست‌کم به پرسش‌های اصلی ناظر بر اندیشه گفت‌وشنود میان‌فرهنگی علامه طباطبایی پرداخته شد. برای پاسخ به این پرسش باید گفت پس از تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت از آن‌ها استخراج شده‌اند. مبانی انسان‌شناختی تربیت در آثار و نگاه علامه طباطبایی از این قرار هستند: انسان موجودی است استخدام‌گر، انسان موجودی است کمال‌گرا، و در ذیل مبنای معرفت‌شناختی تربیت نیز به اعتبارسازی انسان: «انسان اعتبار‌آفرین است» اشاره شده است. اصول و روش‌هایی که از این مبانی استنتاج شده‌اند همه معطوف به رویکردی هستند که از آن با عنوان «گفت‌وشنود میان‌فرهنگی» نام برده‌ایم. اصول و روش‌های

استنتاجی این مبانی عبارتند از: الف) اصل انتفاع دوگانه: «گفت و شنود باید در جستجوی منافع طرفین باشد» و روش مطلوب آن تعامل مسالمت‌آمیز؛ ب) عدالت، برابری و انصاف: «گفت و شنود باید منصفانه و عادلانه باشد» و روش مطلوب آن تبیین و به‌کارگیری گفت و شنود عادلانه و منصفانه؛ و ج) اصل تعامل مداوم فرهنگ‌ها: «باید فرهنگ‌ها در یک اجتماع فرهنگی به تعامل مداوم بپردازند.» و روش‌های مطلوب آن: ۱) تعامل مبتنی بر گفت و شنود گروهی؛ ۲) به پرسش گرفتن ایده‌ها. د) اصل پذیرفتن تطور فرهنگی و روش‌های مطلوب آن: ۱) گشودگی نسبت به تنوع فرهنگی؛ ۲) ارتقاء مدارا نسبت به اقلیت‌ها و همبستگی در جامعه فرهنگی. ه) اصل تغییر در ادراکات: «باید تغییر در ادراکات و علوم اعتباری را به رسمیت شناخت.» و روش‌های مطلوب آن: ۱) روش مواجه کردن متربی با موقعیت‌های مختلف یادگیری و گفت و شنود؛ ۲) تصحیح یا تکمیل ایده‌ها. از آنجا که هر جامعه‌ای بر اساس فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی خود، اعتباریات ویژه‌ای را پذیرفته است. پس این تأثیرپذیری مبانی، اصول و روش‌های واقعی گفت و شنود میان فرهنگی را می‌توان با توجه به فرهنگ یا تنوع فرهنگی خاص همان جامعه قابل استخراج دانست. در نتیجه این مبانی، اصول و روش‌ها، قابل تعمیم به جامعه‌ای که اعتباریات دیگری را پذیرفته‌اند، نیست. بر این اساس، با وجود تنوع فرهنگ در جامعه معاصر، نظریه اعتباریات علامه می‌تواند مبنا و میانجی معقولی برای تبیین گفت و شنود فرهنگی در جامعه باشد که در این پژوهش همان‌گونه که اشارت رفت کوشش شد تا مبانی، اصول و روش‌ها و استلزامات تربیتی آن استنباط گردد تا با پافشاری و تمرکز بر مهارت‌ها و شایستگی بین فرهنگی، همبستگی اجتماعی و ارتباطات بین فرهنگی، هم پیوند شوند تا ضمن پیشگیری پیش‌دستانه از افراط‌گرایی‌ها، کلیشه‌ها، تعصبات بین‌گروهی، از شکاف‌های اجتماعی ممانعت به عمل آید؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در رویکردی خردمندانه نسبت به تصدیق و تأیید تفاوت‌های فرهنگی، مبنای پیوندها و تفاهم میان فرهنگی را بر مبادی گفت و شنود به‌قصد پویایی کلیدی در برپایی صلح، هماهنگی، خردمندی و رضایت در جامعه به کاربرد تا جامعه بتواند از راه گفت و شنود میان فرهنگی به‌مثابه فرایندی برای مبادله یا تعامل آزاد و محترمانه بین افراد، گروه‌ها و حتی سازمان‌ها و نهادهای با پیشینه فرهنگی و جهان‌بینی‌های متفاوت، به حذف تبعیض و خوارداشت فرهنگ‌ها نائل شود؛ نتایج این پژوهش می‌تواند برای متولیان امر آموزش و پرورش چه در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان و چه در سطوح خردتر، برای نهادهای



- رسمی و غیررسمی مرتبط با تربیت در جامعه کاربردی باشد. در این میان قطعاً نقش نهاد تعلیم و تربیت و رسانه ابتدا جهت آگاه‌سازی آحاد جامعه از مؤلفه‌های گفت‌و‌شنود میان فرهنگی (آگاهی میان فرهنگی) و سپس نهادینه کردن این مهم به عنوان امری اخلاقی و همین‌طور به عنوان مهارتی فردی و اجتماعی در افراد بسیار بارز و حائز اهمیت است؛ از این رو گفت‌و‌شنود میان فرهنگی بنیادی‌ترین پادزهر برای طرد و خشونت و تعارضات فرهنگی است که برای بهره‌مندی از دستمایه‌های چنین مزیت خطیری، رهنمودهای زیر جهت استفاده و کاربرد در نظام تعلیم و تربیت کشورمان ارائه می‌گردد:
- توجه به قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها در برنامه‌ریزی مدارس کشورمان و ایجاد فرصت جهت معرفی و آشنایی متریبان با تنوع فرهنگی در ایران.
  - آموزش مفاهیم همزیستی مسالمت‌آمیز، صلح، دوستی، بردباری و تفاوت در نظام آموزشی ایران.
  - تألیف کتب درسی جهت آموزش مهارت گفت‌و‌شنود، تفکر انتقادی و مهارت استدلال.
  - ارائه آموزش‌های لازم به مربیان جهت استفاده از شیوه‌های تدریس گروهی و جمعی و مبتنی بر گفت‌و‌شنود.
  - با توجه به چالش‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه، کتب درسی در بازه‌های زمانی کوتاه‌تری مورد ویرایش و بازنگری گردد تا امکان توجه و رسیدگی به گفت‌و‌شنود در خصوص آنها فراهم گردد.
  - ایجاد مناسبت‌ها و فرصت‌هایی در مدارس جهت تبادلات میان فرهنگی مانند؛ نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و دعوت از افراد شاخص متعلق به فرهنگ‌های دیگر.
  - توجه به رویکرد نوین در تعلیم و تربیت مانند فلسفه برای کودکان که امکان گفت‌و‌شنود و مبادلات فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

## تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی اساتید دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، که مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

قرآن مجید

بحار الانوار

اسدی، حسن و شمشیری، بابک (۱۳۹۹). آموزش صلح با رویکرد میان‌فرهنگی. تهران: نشر منشور صلح.

اشتراوس، کلودلوی (۱۳۷۵). نژاد، تاریخ و فرهنگ. گفت‌وگو با اشتراوس. مترجم: نیکو سرخوش پیام‌یونسکو، ۲۷ (۳۱۰)، ۳۰-۳۳.

باقری، خسرو (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ هجدهم.

بهشتی، سعید (۱۳۸۸). تأملاتی در تعلیم و تربیت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

پاپی، سمیه؛ هاشمی، سید جلال؛ ولوی، پروانه و صفایی‌مقدم، مسعود (۱۴۰۱). الگوی مفهومی تغییر درونی مطلوب بر پایه قرآن کریم: استنتاج اصول تربیتی. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷ (۲)، شماره پیاپی ۲۳، ۷-۳۱.

پایا، علی (۱۳۸۱). گفتگو در جهان واقعی: کوششی واهی یا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر. تهران: طرح نو، چاپ اول.

جمال‌پور، میکائیل (۱۳۹۹). پژوهشی در باب کارایی نظریه اعتباریات علامه طباطبایی در تحلیل بحران کرون و ویروس. مجله علمی پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ۱۴ (۳۱)، ۱۰۹-۱۳۵.

حسین‌آباد، داود؛ علم‌الدیان، جمیله و سوزنی، حسین (۱۳۹۹). بازشناسی مفهوم «تربیت» در نظریه اعتباری علامه طباطبایی (ره). پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۱۰ (۲)، ۱۳۹-۱۱۸.

حنیفه‌زاده، سارا؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا؛ فرامرزی قرا ملک، احد و ایمانی نائینی، محسن (۱۳۹۷). تبیین روش‌شناختی از فرآیند تحلیل مفهومی در فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی بر اساس نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی (ره). دوفصلنامه فلسفه تربیت، ۳ (۲)، ۵-۲۹.

رضانی، رضا (۱۳۸۷). آرای اخلاقی علامه طباطبایی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۹ق). منیه‌المیرید. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۶). مبانی تربیت از نگاه امام سجاد (ع). اهواز: نشر ریش، چاپ اول.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). رسالت تشیع در دنیای امروز (گفتگویی دیگر با هانری کربن). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). اصول فلسفه رئالیسم. قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ دوم.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: انتشارات صدرا.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۹۹۹). الرسائل التوحیدیه. بیروت: مؤسسه النعمان.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: حوزه علمیه انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲). بنیاد علمی و فکری استاد علامه سید محمدحسین طباطبایی. قم: رسایل صبیحه.
- علی‌آبادی، ابوالفضل؛ مسعودی، جهانگیر؛ غفاری، ابوالفضل و باغلی، حسین (۱۳۹۷). ضرورت توجه به «قطب سوم» در تربیت دینی و آثار آن بر فضای تربیتی (مربیان، فراگیران و کلاس درس). فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۱)، شماره پیاپی ۶، ۴۹-۸۸.
- غمامی، سید محمدعلی و اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۸). همشناسی فرهنگی الگوی قرآنی ارتباطات میان فرهنگی. تهران: انتشارات امام صادق(ع)، چاپ اول.
- گوتک، جرال‌الدال (۱۳۸۶). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: چاپ ششم.
- لک‌زایی، نجف، فلاح محمود (۱۳۹۴). بررسی جایگاه نظام اجتماعی در اندیشه سیاسی علامه طباطبایی. سپهر سیاست، ۲(۳)، ۸۳-۱۷۵.
- متقی، زهره؛ بختیار نصر آبادی، حسنعلی؛ نجفی، محمد و امام‌جمعه، سید مهدی (۱۳۹۷). بررسی مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه و استخراج کارکردهای آن در تربیت زیبایی‌شناختی (حوزه یادگیری فرهنگ و هنر). فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۱)، شماره پیاپی ۶، ۱۲۱-۱۴۸.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد و برنجکار، رضا (۱۳۷۹). گفتگوی تمدن‌ها در قرآن و حدیث. ترجمه محمدعلی سلطانی. قم: دارالحدیث.
- مرعشی، سید منصور؛ چراغیان، جعفر؛ صفایی‌مقدم، مسعود و ولوی، پروانه (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی تفکر اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی و لیمن و استخراج دلالت‌های آن در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۳(۱)، شماره پیاپی ۶، ۱۴۹-۱۸۶.
- مصلح، علی‌اصغر (۱۳۹۲). «اعتباریات علامه طباطبایی» مبنای طرحی فلسفی برای فرهنگ، حکمت و فلسفه. ۹(۱۴)، ۲۷-۴۶.
- مصلح، علی‌اصغر (۱۳۹۲). ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و فلسفه فرهنگ. ناشر: روزگار نو،
- نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۸). اصول و مبانی دیالوگ: روش شناخت آموزش. اصفهان، انتشارات آموخته، چاپ اول.
- یزدانی‌مقدم، احمدرضا (۱۳۸۸). مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی. مجله حکومت اسلامی، ۱۴(۱)، ۱۳۳-۱۵۴.

## REFERENCES

- Gadamer, H.G. (1988). Truth and method. Garrett Baden and John cumming, Trans. New York: Crossroad.
- Helskog, G. H. (2015). Dialogos Philosophical Dialogues and the Ethics and Politics of Intercultural and Interfaith Friendship. Educational Action Research. 32(2), 225-242.

- Jadnet, F. E (1995) .intercultural Communication. London: sage.
- Mall, R. A. (1992). Philosophie im Vergleich der Kulturen Eine Einführung in die interkulturelle philosophie. Bremen.
- Matic, J. L. (2019). Multicultural Student-to-Student Dialogue and the Generation of Creative Ideas, Routledge. College Teaching, 67(2), 86-93.
- Shih, Y. H. (2018). Rethinking Paulo Freire's Dialogic Pedagogy and Its Implications for Teachers' Teaching. Journal of Education and Learning, Vol.7(4), 230-235.